

تأملی در صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران حکومت اسلامی

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۷ تأیید: ۱۴۰۰/۲/۴ میثم خزائی*
و محمود اکبری** و محمدعلی لیلی***

چکیده

جامعه زمانی در مسیر رشد و تعالی قرار می‌گیرد که انتخاب و انتصاب کارگزاران آن بر اساس صلاحیت و شایسته‌سالاری صورت گیرد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل سعادت جوامع، داشتن حکمران‌های شایسته است. در تاریخ بشریت ملاحظه می‌گردد حکمران‌های نالایق، جامعه تحت رهبری خود را به نابودی کشانده و حکمران‌های لایق، جامعه تحت رهبری خود را به سعادت رسانده‌اند. در یکی از خلاءهای موجود در نظام‌های سیاسی دنیا، عدم توجه به شایستگی علمی مدیران است. بر این اساس، پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مبانی شرع اسلام، شرطیت شایستگی علمی و تخصص در مدیران حکومت اسلامی را مورد واکاوی قرار داده و با مطرح نمودن توانایی علمی و تخصص به عنوان شرط ضروری انتخاب و انتصاب مدیران حکومت اسلامی، وضعیت موجود انتخاب و انتصاب کارگزاران و مدیران نظام جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و نقد قرار داده است و در پایان ضرورت بازنگری در اصلاح قوانین و مقررات و تدوین آیین‌نامه‌های جامع مدیریت برای سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران را مطرح نموده است.

واژگان کلیدی

حکمرانی شایسته، صلاحیت علمی، کارگزاران، حکومت اسلامی

* عضو هیأت علمی دانشگاه آیه‌الله بروجردی: meisam.khazae@abru.ac.ir

** عضو هیأت علمی دانشگاه آیه‌الله بروجردی: m.akbari@abru.ac.ir

*** دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی:

layali.ir@gmail.com

مقدمه

یکی از مشکلات اساسی در نظام‌های اساسی دنیا؛ چه در گذشته و چه در دوران معاصر، عدم توجه به شایستگی علمی و تخصص در انتخاب و انتصاب مدیران است؛ در حالی که جامعه، زمانی در مسیر رشد و تعالی قرار می‌گیرد که نظام مدیریتی آن، مبتنی بر لیاقت و توانایی مدیران آن باشد. شرع اسلام نیز به این مهم توجه داشته و برای کارگزاران نظام، شرایطی را لحاظ نموده است. به عنوان مثال، زمانی که خداوند متعال طالبوت را به عنوان فرمانده جنگ برای بنی اسرائیل منصوب می‌کند، به توان علمی و جسمی او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خداوند او را برای شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است»^۱ (بقره (۲): ۲۴۷). با مطالعه متون فقهی نیز که نظریه ولایت فقیه را مطرح می‌کنند، بر اساس مبانی قرآنی و روایی، تأکید فراوانی بر شایستگی علمی (علم به قوانین اسلام)، رهبر جامعه اسلامی شده است (امام خمینی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۸).

بر این اساس، با شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران و تفکیک قوای سه‌گانه، جسته و گریخته در قوانین و در کلام رهبران نظام اسلامی ایران، به شرایط مسئولان در قوه مقننه، مجریه و قضائیه، پرداخته شده است. به عنوان مثال، امام خمینی^۱، در پیامی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۳/۳/۷ تخصص با تعهد را به عنوان یکی از شرایط کارگزاران نظام اسلامی مطرح و می‌فرماید:

این مجلسی است که باید سیاست نه شرقی نه غربی را در جهان دو قطبی اجرا کند و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی اسلام را که به طاق فراموشی سپرده شده بود و قرن‌ها منزوی بود، به صحنه آورد؛ ... چنین مجلسی در کمیسیون‌های مختلفش کارشناسان و متخصصان متعهد و زبردست لازم دارد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۵).

با این وجود ملاحظه می‌گردد با وجود اهمیت شایستگی علمی و تخصص کارگزاران حکومت اسلامی، در قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها، به خوبی به این

مهم توجه نشده، در نتیجه افرادی که شایستگی‌های علمی و تخصص لازم را ندارند، در مسؤولیت‌های حاکمیتی مهم منصوب یا انتخاب می‌گردند. به عنوان مثال، در ماده ۵۷ لایحه جامع انتخابات - که البته هنوز به تصویب نرسیده است -، شرط نامزدی مجلس شورای اسلامی، داشتن مدرک کارشناسی یا معادل آن دانسته شده است؛ در حالی که جهت قانون‌گذاری و ارائه نظرات تخصصی در کمیسیون‌های تخصصی، نیاز به توانایی‌های علمی بالاتری است. هم‌چنین در پذیرش مسؤولیت در بخش‌های مختلف قوه مجریه، به جهت تخصصی بودن امور، نیاز است فرد صلاحیت‌های علمی و تخصص‌های لازم را دارا باشد؛ با این وجود در انتصاب مسؤولیت‌ها در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها، با آیین‌نامه‌هایی که برای انتصاب مدیران، شرایط علمی و تخصص‌های لازم را در نظر گرفته باشد، کم‌تر مواجه هستیم و این ضعف، موجب گردیده است در انتصاب برخی مدیران، از افراد فاقد صلاحیت علمی و تخصص استفاده گردد؛ در نتیجه گاه‌ها تصمیم‌هایی در سطح مدیریتی کشور گرفته می‌شود که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به جامعه و مردم وارد می‌آورد.

در عین اهمیت و ضرورت پرداختن به شرطیت شایستگی علمی در انتخاب و انتصاب مسؤولین نظام اسلامی، کم‌تر پژوهشی، این مهم را مورد بررسی قرار داده و معمولاً به شرایط و ویژگی‌های کارگزاران حکومت اسلامی به صورت عام پرداخته شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر سعی دارد به روش توصیفی - تحلیلی شرطیت توانایی علمی و تخصص مدیران جامعه اسلامی را بر اساس مبانی شرع اسلام مورد بررسی قرار داده و فرضیه شرطیت توانایی علمی و تخصص در انتخاب و انتصاب کارگزاران نظام اسلامی را به اثبات برساند.

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

قبل از بحث، لازم است اصطلاحات صلاحیت علمی و تخصص، مورد مفهوم‌شناسی قرار گیرند.

صلاحیت علمی

صلاحیت واژه‌ای عربی و از ریشه صلح است. صلاح ضدّ فساد است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۶ و فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۵) و صلاحیه به معنای اعتبار یک چیز (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۲۶) و شایستگی برای ولایت و اهلیت برای قیام به امور مولی علیه (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲ و مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۲۶۵) آمده است. لازم به ذکر است که در زبان عربی و متون فقهی عربی، برای معنای صلاحیت، از لفظ «الأهلی و الأهلیة» نیز استفاده می‌کنند که اسم فاعل آن نیز المؤهل می‌شود (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۹).

صلاحیت در لغت فارسی به معنای شایستگی، درخوری، سزاواری، اهلیت و صلاحیت‌دار است. صلاحیت‌دار نیز به معنای شایسته برای رسیدگی به کاری و لایق برای انجام عملی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۵۰۰۵).
بر اساس معنای لغوی صلاحیت، صلاحیت علمی را باید شایستگی و اهلیت علمی در رسیدگی و انجام کاری دانست که به شخصی سپرده می‌شود.

تخصص

تخصص واژه‌ای عربی و از ریشه «خصص» است که به معنای اختصاص پیدا کردن، در امری متخصص شدن و یا در کاری به تنهایی تخصص داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۴؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۷۱) آمده است.
تخصص در لغت فارسی نیز به معنای به چیزی مخصوص شدن، در کاری مهارت داشتن (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۵۲۴) و تخصص یافتن؛ یعنی کاردان و ماهر شدن در کار، دانش یا هنری (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۵۲۴) است.
بر اساس معنای لغوی تخصص، زمانی که در حوزه مدیریت از تخصص فرد نام برده می‌شود؛ یعنی این‌که فرد باید دارای مهارت و دانش مورد نیاز در حوزه مسئولیتی که بر عهده می‌گیرد، باشد.

مقایسه صلاحیت علمی با تخصص

همان‌گونه که در تعریف این دو واژه ملاحظه می‌شود، صلاحیت به معنای شایستگی علمی برای انجام عملی است، اما تخصص مهارت داشتن، کاردان و ماهر شدن در کاری است. در مقایسه این دو واژه می‌توان گفت که تخصص از نظر سطح و درجه از صلاحیت علمی یک گام فراتر و بالاتر است؛ زیرا فرد باید علاوه بر شایستگی علمی در انجام کاری، در آن عمل، کاردان و ماهر نیز شده باشد. به بیان دیگر، صلاحیت علمی داشتن در یک موضوعی، مقدمه برای کسب تخصص و مهارت کافی در آن زمینه است. لذا صلاحیت علمی مقدمه رسیدن به تخصص در امری است.

شرطیت صلاحیت علمی در انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی

با ملاحظه سیره و گفتار معصومین .:، مشخص می‌گردد صلاحیت علمی و داشتن تخصص‌های لازم از شروط لازم برای انتخاب یا انتصاب مسئولین و کارگزاران حکومت اسلامی است؛ زیرا فقدان شرط مذکور موجب تصمیم‌گیری‌های نابخردانه گشته، در نتیجه خسارت‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد می‌کند. بی‌تردید بیش‌ترین مشکلاتی که متوجه نظام‌های حکومتی در سطح جهان می‌شود، به انتخاب نادرست وزرا و فرماندهان و کارگزاران آنها منتهی می‌شود. ... عقل و شرع نیز هم‌واره در رهبران و کارگزاران و وزرا ویژگی‌ها و شرایطی را لازم می‌شمارند که واجب است آنها را رعایت نموده و برای تحقق آن دقت کافی به خرج دهند و سهل‌انگاری و اهمال در آن موجب خیانت به اسلام و امت اسلامی است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۴).

بر این اساس، سعی می‌گردد در ادامه شرطیت صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران حکومت اسلامی در مبانی دینی (قرآن، روایات و عقل) مورد تحقیق قرار گیرد.

قرآن و صلاحیت علمی کارگزاران

با تأملی در قرآن کریم، ملاحظه می‌شود خداوند متعال در آیات متعدد، صلاحیت

علمی و تخصص افرادی که مسؤولیتی را بر عهده می‌گیرند، مورد توجه قرار داده است. به عنوان مثال، می‌توان به آیات ذیل اشاره نمود.

آیه ۲۴۷ سوره بقره

خداوند متعال در انتصاب طالوت، به فرماندهی نظامی بنی اسرائیل در جنگ با جالوت، در آیه مذکور می‌فرماید: «خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد»^۱. در تفسیر آیه گفته شده است: «نسب عالی و ثروت، هیچ امتیازی برای رهبری نیست؛ چون هر دو امر اعتباری و بیرون‌ذاتی است، ولی علم و دانش و نیروی جسمانی دو امتیاز واقعی و درون‌ذاتی است که تأثیر عمیقی در مسأله رهبری دارد. رهبر باید با علم و دانش خود، مصلحت جامعه‌ای را که در رأس آن است، تشخیص دهد و با قدرت خود آن را به موقع اجرا در آورد، با علم و تدبیر خود نقشه صحیح برای پیکار با دشمن بکشد و با نیروی جسمانی آن را پیاده کند. تعبیر به «بسطه» (گسترش) اشاره به این است که وسعت وجودی انسان در پرتو علم و قدرت است، هر قدر این‌ها افزوده شود، هستی انسان گسترده‌تر می‌شود. در این‌جا گسترش علم بر گسترش نیروی جسمانی مقدم داشته شده؛ زیرا شرط اول علم و آگاهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۸).

غرض از تشکیل ملک و حکومت این است که صاحب حکومت امور جامعه را طوری تدبیر کند که هر فردی از افراد جامعه به کمال لایق خود برسد و کسی و چیزی مانع پیشرفتش نگردد و برای چنین حکومتی، چیزی که لازم است، داشتن دو سرمایه است: یکی علم به تمامی مصالح حیات جامعه و مفاسد آن و دوم، داشتن قدرت جسمی بر اجرای آنچه که صلاح جامعه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۶). چنین تفسیری را از سایر مفسران نیز می‌توان مشاهده نمود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۶۶ و طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۸۱).

بر اساس فحوای آیه، صلاحیت علمی از مهم‌ترین شرایط کارگزاران نظام اسلامی

بوده و عدم رعایت شرط مذکور، موجب آسیب‌های جبران‌ناپذیر و ناامیدی مردم از دل‌بستگی به نظام اسلامی می‌شود.

آیه ۲۶ سوره قصص

خداوند متعال در داستان حضرت موسی ۷ زمانی که از دست فرعونیان فرار کرده به مدین رفته بود و در اولین برخورد به کمک دختران شعیب ۷ رفته و گله گوسفندان آن‌ها را آب داد، در ادامه و زمانی که دختران شعیب پیامبر ۷ به نزد پدر رفتند، از قول یکی از دختران، می‌فرماید: «یکی از دو دختر گفت: ای پدر، او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد».^۳

از این‌که دختر شعیب، موسی ۷ را قوی و امین معرفی کرد، فهمیده می‌شود که آن دختر از نحوه عمل موسی ۷ در آب‌دادن گوسفندان، طرز کاری دیده که فهمیده او مردی نیرومند است و هم‌چنین از عفتی که آن جناب در گفت‌وگوی با آن دو دختر از خود نشان داد و از این‌که غیرتش تحریک شد و گوسفندان آنان را آب داد و نیز از طرز به‌راه‌افتادن او تا خانه پدرش شعیب، چیزهایی دیده که به عفت و امانت او پی برده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۶). این دو شرط، جامع‌ترین شرط فیما بین اجیر و مالک است که قوه و نیروی عمل برای اجرای کار و امین‌بودن برای خصوصیات عمل است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۱۹۲).

در آیه کوتاه فوق، از زبان دختر شعیب، مهم‌ترین و اصولی‌ترین شرایط مدیریت که قدرت و امانت است، به صورت کلی و فشرده آمده است و به ارتکاز ذهنی و فطری شرط «توان‌مندی» و «امانت‌داری» در مسؤولیت اشاره دارد.

بدیهی است منظور از قدرت، تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد توانایی بر انجام مسؤولیت است. یک پزشک قوی و امین، پزشکی است که از کار خود آگاهی کافی و بر آن تسلط کامل داشته باشد. یک مدیر قوی کسی است که حوزه مأموریت خود را به خوبی بشناسد، از «انگیزه‌ها» با خبر باشد، در «برنامه‌ریزی» مسلط و از ابتکار، سهم کافی و در «تنظیم کارها» مهارت لازم داشته باشد، «هدف‌ها را روشن کند» و

نیروها را برای رسیدن به هدف «بسیج» نماید؛ در عین حال، دل‌سوز و خیرخواه و امین و درست‌کار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۶۶).

آیه ۵۵ سوره یوسف

از جمله آیاتی که می‌توان از آن صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران نظام را استنباط نمود، آیه ۵۵ سوره یوسف است. در این آیه حضرت یوسف، با توجه به توانایی‌های خود، پیشنهادی به پادشاه ارائه می‌کند؛ ایشان از پادشاه می‌خواهد او را مسؤول خزانه‌داری و امور مالی کشور گرداند: «(یوسف) گفت: مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده» و برای این کار به دو ویژگی مهم اشاره می‌کند؛ دو ویژگی‌ای که نشان از صلاحیت و شایستگی ایشان برای تصدی این پست کلیدی دارد: «که نگه‌دارنده و آگاهم!».^۴

در آن زمان حضرت یوسف، پادشاه و فرمان‌روا نبود، بلکه سمت وزارت دارایی یا به تعبیر بهتر، خزانه‌داری را داشت. در این آیه استدلال و استناد حضرت یوسف برای صلاحیت خود به دو اصل اساسی برای این مسئولیت، امانت‌داری و کاردانی، قابل توجه است.

مطابق با آیه شریفه، حاکم اسلامی، در کنار تعهد و درست‌کاری، باید دانا و علیم باشد؛ زیرا اگر مسؤول متعهد باشد، ولی تخصص و علم کافی برای تصدی مسئولیت نداشته باشد، با تصمیم‌های نادرست، بیت‌المال را هدر می‌دهد و کشور را به چالش می‌کشانند. به طوری که در این آیه کریمه ذکر شده است، برای متصدیان امور مالی و دارایی، در هر پست و مقامی که باشند، این دو شرط (حافظ‌بودن و آگاهی و علم) ضروری است.

علامه طباطبایی در باره سخن حضرت یوسف که فرمود: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»، می‌نویسد: «این دو صفت، از صفاتی است که داوطلب تصدی چنین پستی، باید آن را داشته باشد و گرنه صلاحیت تصدی چنین مقامی را ندارد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۷۴).

و یا این که گفته شده است:

تعبیر یوسف که می‌گوید: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت مدیریت در کنار امانت است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست، بلکه علاوه بر آن، آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است؛ چرا که «علیم» را در کنار «حفیظ» قرار داده است و ما بسیار دیده‌ایم که خطرهای ناشی از عدم اطلاع و مدیریت، کم‌تر از خطرهای ناشی از خیانت نیست، بلکه گاهی از آن برتر و بیش‌تر است! با این تعلیمات روشن اسلامی، نمی‌دانیم چرا بعضی مسلمانان به مسأله مدیریت و آگاهی هیچ اهمیت نمی‌دهند و حداکثر کشش فکر آن‌ها در شرایط واگذاری پست‌ها، همان مسأله امانت و پاکی است؛ با این که سیره پیامبر 9 و علی 7 در دوران حکومت‌شان نشان می‌دهد، آن‌ها به مسأله آگاهی و مدیریت همانند امانت و درست‌کاری اهمیت می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۰).

آیه ۹ سوره زمر

در آیه مذکور، بعد از این که خداوند متعال، کسی را که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد، بر انسان‌های ناسپاس برتری می‌دهد و آن‌ها را بهتر می‌داند، می‌فرماید: «بگو آیا آنان که آگاهی دارند، با آنان که نا آگاهند برابرنند؟ بدون شک تنها افراد خردمند متذکر و متوجه می‌شوند»^۵.

هر چند در منابع تفسیری به این نکته اشاره‌ای نشده است، لکن می‌توان گفت در این‌جا مراد از علم، ممکن است اعم از علم دین باشد؛ یعنی به هر کس در هر زمینه که آگاه و متخصص است، باید مراجعه کرد، در این‌جا در واقع به ارتکاز فطری افراد تکیه شده و بیان شده که نفی این ضرورت فطری از بی‌خردی است. بر این اساس، از این آیه نیز استفاده می‌گردد که افراد آگاه بر افراد نا آگاه مقدم‌اند و ترجیح شخص مفضول؛

یعنی جاهل، بر فاضل؛ یعنی عالم جز از سوی افرادی که از خرد بهره‌ای نبرده‌اند، متصور نیست.

در پایان باید گفت آیات مذکور به دلالت التزامی و تنبیه، بر شایستگی علمی و تخصص افرادی که مسؤولیتی را بر عهده می‌گیرند، اشاره دارند؛ بر این اساس، به حکم قرآن کریم، در زمان انتخاب و انتصاب کارگزاران حکومت اسلامی، باید شایستگی علمی و تخصص افراد مورد توجه قرار گیرد.

صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران در روایات

علاوه بر این که در قرآن کریم به صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران نظام اسلامی اشاره گردیده است، در کلام اهل بیت^ع نیز به این مهم اشاره شده است که به عنوان نمونه به موارد ذیل اشاره می‌گردد:

حدیث ابن عباس

ابن عباس از پیامبر اکرم^ص نقل می‌کنند که فرمودند:
کسی که شخصی از مسلمانان را به کار بگمارد و بداند که در میان آنان کسی اولی و بهتر از وی به انجام این مسؤولیت و دانستن او به کتاب خدا و سنت پیامبر^ص وجود دارد، بی‌تردید به خدا و رسول او و جمیع مسلمانان خیانت ورزیده است^ع (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰، ص ۲۰۱ و امینی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۹۱).

روایت ابوذر

در این رابطه در بحار، از امالی طوسی به سند خویش، از ابوذر روایت شده که پیامبر^ص فرمود: «ای ابوذر! من آنچه را برای خود می‌خواهم، برای تو نیز می‌خواهم، من تو را ناتوان می‌یابم، پس تو فرمانروایی دو نفر را هم به عهده مگیر و سرپرستی مال یتیم را نپذیر»^ع (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۴۰۶).

حدیث منقول از باقلانی

باقلانی در التمهید، از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمودند:

کسی که خودش را بر دسته‌ای از مسلمانان مقدم بدارد و بداند که در بین آنان کسی که برتر از او باشد، وجود دارد، بدون شک به خدا و پیامبرش و مسلمانان خیانت کرده است^۱ (باقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۶ و امینی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۲۹۱).

به نظر می‌رسد افضلیت «برتر بودن» که در این روایت و روایت‌های دیگر مطرح شده «افضلیت» از تمامی جهات است؛ زیرا در این جا افضلیت برای اداره امور مسلمانان مطرح است.

سفارش‌نامه پیامبر ﷺ

از حضرت علی ۷ روایت شده که آن حضرت دستور العمل و عهدنامه‌ای بیان کرده است. البته گزارش‌گر آن می‌گوید گمان می‌کنم آن از سخنان علی ۷ است، ولی ما از وی روایت کرده‌ایم که سند را به حضرت علی ۷ رسانده که فرمود: رسول خدا ﷺ دستور العمل و سفارش‌نامه‌ای صادر فرمود که پس از بیان مطالبی در آن آمده است (بروجردی، ۱۴۲۹ق، ج ۲۲، ص ۶۱۱). در این روایت مفصل در ذیل آن‌چه برای حاکم شایسته است که در امور کارگزاران تأمل کند، بدین‌گونه آمده است:

در امور کارگزاری که به کار می‌گماری، دقت کن. باید به‌کارگیری آنان بر اساس ارزیابی باشد، نه بر اساس گرایش و روابط؛ چرا که واگذاری مسؤولیت‌ها بر اساس گرایش و رابطه تمام شعبه‌های جور را در بر دارد و سبب خیانت به خدا و رساندن زیان به مردم است و کارهای مردم و حاکمان اصلاح نمی‌شود، مگر با صالح‌بودن کسانی که در کارها از آنان کمک می‌گیرند و برای انجام کارهای دور از دسترس، آنان را انتخاب می‌کنند. پس برای به‌عهده‌گذاشتن مسؤولیت‌ها، اهل ورع و فهم و دانش و سیاست را انتخاب کن و از صاحبان تجربه و عقل و حیا به خانواده‌های شایسته و دین‌دار و با ورع نزدیک شو؛ زیرا آنان اخلاق‌شان گرامی‌تر و

خویشتن دارتر و شایسته تر و کم طمع تر است و دوراندیش تر از دیگران هستند. پس کارگزارانت و دستیارانت این گونه باید باشند و از میان آنان جز پیروانت را به کار نگمار. آن گاه حقوق آنان را به طور کامل و تمام بپرداز و روزی را بر آنان وسعت ده و آسان گیر؛ چرا که این کار، آنان را بر اصلاح خویش نیرومند می سازد و از آن چه - از بیت المال - در اختیار دارند، بی نیاز می کند (همان، ص ۶۲۹).

خطبه ۱۷۳ نهج البلاغه

امام علی ۷ در بخشی از این خطبه در بیان ویژگی های رهبر اسلامی می فرماید: «ای مردم! سزاوارترین مردم به خلافت، کسی است که بر آن تواناتر از همگان و داناتر از همه به او امر خدای تعالی باشد».^۹

در حقیقت، امام ۷ با این کلام به دو رکن اساسی مسؤولیت که یکی جنبه علمی و دیگری جنبه عملی دارد، اشاره می کند؛ از نظر علمی باید از همه آگاه تر و از نظر عملی در امر مدیریت از همه قوی تر باشد. بسیاری از کسانی که عالم اند، ولی مدیر نیستند و یا مدیرند و عالم نیستند و تا این دو دست به دست هم ندهند، اداره صحیح جامعه امکان پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۵۰۵-۵۰۴).

در واقع نسب عالی و ثروت، هیچ امتیازی برای رهبری نیست؛ چون هر دو امر اعتباری و بیرون ذاتی است، ولی علم و دانش و نیروی جسمانی دو امتیاز واقعی و درون ذاتی است که تأثیر عمیقی در مسأله رهبری دارد. رهبر باید با علم و دانش خود، مصلحت جامعه ای را که در رأس آن است، تشخیص دهد و با قدرت خود آن را به موقع اجرا در آورد، با علم و تدبیر خود نقشه صحیح برای پیکار با دشمن بکشد و با نیروی جسمانی آن را پیاده کند. تعبیر به «بسطة» (گسترش) اشاره به این است که وسعت وجودی انسان در پرتو علم و قدرت است؛ هر قدر اینها افزوده شود، هستی انسان گسترده تر می شود. در این جا گسترش علم بر گسترش نیروی جسمانی مقدم داشته شده؛ زیرا شرط اول علم و آگاهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۸).

نامه ۵۳ نهج البلاغه

نامه ۵۳ نهج البلاغه که از نامه‌های امام علی ۷ برای مالک اشتر نخعی - هنگامی که او را فرماندار مصر می‌کند - است، باید از مهم‌ترین اسناد بشری در حکومت‌داری دانست که آیین کشورداری را از تمام جهات بررسی کرده و اصولی را که هرگز کهنه نمی‌شود، در آن ترسیم نموده است. از جمله مباحث مطرح در نامه مذکور، پرداختن به انتصاب و شرایط کارگزاران است. در این باره امام ۷ می‌فرماید:

در امور مربوط به کارگزاران دقت کن و آن‌ها را با آزمون و امتحان و نه از روی «تمایلات شخصی» و «استبداد و خودرأیی» به کار گیر؛ زیرا این دو کانونی از شعب ظلم و خیانت‌اند، از میان آن‌ها افرادی را برگزین که دارای تجربه و پاکی روح باشند، از خانواده‌های صالح و پیش‌گام و با سابقه در اسلام؛ زیرا اخلاق آن‌ها بهتر و خانواده آنان پاک‌تر و توجه آن‌ها به موارد طمع کم‌تر و در سنجش عواقب کارها بیناترند.^{۱۰}

بر این اساس، در نظام استخدامی جامعه اسلامی، مراعات اصول و کفایت و صلاحیت و ضوابط حاکم است، نه روابط. از این رو، مشکل‌ترین مسأله حکومت که گزینش مسؤولان لایق و متعهد است، در این رابطه به گونه‌ای دقیق و با سخت‌گیری کامل حل می‌شود. تخلف از این اصل، مسؤولیت عظیمی را ایجاد خواهد نمود و رهبر، مسؤول کلیه اعمال کارگزاران در جامعه اسلامی است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۸۶).

در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «در انتخاب کارگزاران و فرمانروایان هیچ شفاعتی جز شفاعت کفایت و صلاحیت»؛^{۱۱} یعنی در انتخاب مسؤولان ضابطه «کفایت و امانت‌داری» برای تو ملاک باشد، نه رابطه و توصیه افراد. بنابراین، بر اساس فرمایش حضرت علی ۷، در گزینش مسؤولان، مهم‌ترین معیار، فقط کاردانی، صلاحیت علمی و امانت است.

در بخشی دیگر از این نامه که امام ۷ به علم و علما و مشورت با آن‌ها تأکید دارد، امام ۷ به مالک اشتر می‌فرماید: «فراوان با دانشمندان گفت‌وگو کن و فراوان با

حکیمان بحث کن که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت»^{۱۲}.

نکته مهم در جملات امام 7 این است که می‌فرماید با دو گروه ارتباط دائمی داشته باش:

۱. گروه دانشمندان که واقعیت‌ها را از دیدگاه علمی محض می‌نگرند و آن‌ها را با اصول و قواعدی مستند به تجربیات و مشاهدات توصیف و مورد تصرف و تغییر برای نیازهای مادی و معنوی قرار می‌دهند.

۲. گروه حکما که همان واقعیت‌ها را با کلی‌نگری و دریافت وحدت‌های عالی‌تر در هستی مورد کاوش، تحقیق و تفسیر قرار می‌دهند (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸).

از سخن امام 7 معلوم می‌شود مدیران جامعه باید بر علوم عقلی و توانایی‌های ذهنی و فکری والایی دست یافته باشند و از تخصص‌های مختلف افراد جامعه بهره‌مند گردند تا تصمیم‌های بدون نقص و در خور توجهی اتخاذ نمایند (خلعبری و صدارت، ۱۳۹۳، ش ۱۶، ص ۹۴).

در واقع امام در این قسمت از وصایای خود به مالک توصیه می‌کند همواره سطح آموزش خود را در احکام و موضوعات بالا ببرد، با علما و دانشمندان پیوسته به گفت‌وگو بنشیند تا به احکام الهی و اصول کشورداری آشنا تر گردد و با اندیشمندان پیوسته بحث کند تا از تجارب آن‌ها در تشخیص موضوعات مهم بهره‌گیرد و هنگامی که آگاهی زمام‌دار نسبت به این دو بخش افزایش پیدا کند، امر بلاد اصلاح می‌شود و سنت‌های حسنه پیشین هم‌چنان باقی و برقرار می‌ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۴۴۰).

روایت ابن فضال

ابن فضال از امام صادق 7 روایت نموده که فرمود: «پیامبر خدا 9 فرمود: آن‌که بدون آگاهی کاری را انجام دهد، آن‌چه خراب می‌کند، بیش‌تر از آن چیزی است که اصلاح می‌کند»^{۱۳} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴).

روایت طلحة بن زید

طلحة بن زید از امام صادق 7 نقل می‌کند از امام 7 شنیدم که می‌فرمود: «کسی که بدون آگاهی کاری را انجام دهد، همانند کسی است که بیراهه برود که تند حرکت کردن جز دور شدن از هدف برای وی نتیجه‌ای بیار نمی‌آورد»^{۱۴} (همان، ص ۴۳).

صحيحه عيص بن قاسم

عیص بن قاسم می‌گوید از امام صادق 7 شنیدم که می‌فرمود:

بر شما باد به تقوای خداوند یکتا که شریکی برای او نیست و مواظب جان‌های خود باشید، به خدا سوگند اگر شخص گوسفندداری چوپان دیگری را بیابد که از چوپان فعلی داناتر به گوسفندداری باشد، چوپان اول را اخراج و چوپان دوم را برای نگه‌داری گوسفندان خویش به کار می‌گمارد (خرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۰).^{۱۵}

روایت آمدی

آمدی از امیر المؤمنین 7 روایت نموده که آن حضرت فرمود: «دانشمندان بر مردم حاکم هستند»^{۱۶} (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۶).

در معنای این روایت سه احتمال مطرح گردیده است:

احتمال اول: مراد از این جمله خبر باشد؛ بدین معنا که روایت بخواهد فضیلت دانش و افراد دانشمند را خبر بدهد و در صدد باشد بفهماند که دانشمندان به صورت طبیعی بر قلوب مردم حاکم هستند و مردم به‌طور قه‌ری به خاطر ارزش علم از آنان تبعیت دارند که معمولاً در هر مرام و مذهب و قوم و قبیله‌ای این‌گونه است و حتی این حاکمیت منحصر به دانش دینی نیست، بلکه هر صاحب دانشی به خاطر نفس دانش بر غیر دانشمند حاکم است. طبق این معنا این جمله نظیر جمله دیگر آن حضرت است که می‌فرماید: «دانش حاکم است و مال محکوم علیه»^{۱۷} (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷).

احتمال دوم: مراد از جمله انشاء باشد؛ بدین معنا که بخواهد برای علما و

دانشمندان دینی، جعل ولایت و حکومت بر مردم بکنند؛ نظیر آن چه پیامبر اکرم 9 برای امیر المؤمنین 7 با جمله «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» در غدیر خم جعل نمود.

احتمال سوم: مراد از جمله انشاء باشد؛ منتها بدین صورت که بخواهد بیان کند که لازم است مردم، علما را به عنوان حکام خود انتخاب نمایند.

بر اساس احتمال اول، این روایت چندان به بحث ما مربوط نمی‌شود؛ چون که صرفاً بیان یک واقعیت اجتماعی است که عالمان بر دیگران حکومت دارند و مقتضای احتمال دوم نیز این است که اگر در یک عصر و زمان، هزاران عالم هم باشند، تمامی آنان بالفعل حاکم‌های مردم باشند، علاوه بر این که لفظ «العلماء» مطلق است و دانشمندان دینی و غیر دینی و مسلمان و غیر مسلمان و حتی علمای فاسق را شامل می‌گردد و بدین جهت چنین احتمالی بعید است و بلکه به‌طور کلی صحیح به نظر نمی‌آید، در نتیجه احتمال سوم مناسب‌تر به نظر می‌رسد (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۷).

با توجه به آیات و روایات متعددی که مطرح شد، از آن‌ها - ولو به دلالت التزام - ویژگی‌های حکام و وزرا و امرا و کارگزاران استفاده می‌گردد و روایاتی که بر مسؤولان واجب می‌شمارد که در انتخاب آنان این ویژگی‌ها را رعایت کنند. همه این‌ها دال بر این است که صلاحیت علمی را در انتخاب مسؤولان و کارگزاران مد نظر قرار داد و شخص عالم، متخصص و ذی‌صلاح را به عنوان مسؤول و کاردان در جامعه اسلامی انتخاب نمود تا بتوانند با علم، شایستگی و تخصصی که دارند، بر مشکلات و سختی‌های جامعه اسلامی چیره شده و به نحو احسن جامعه را اداره کنند. ولی متأسفانه با وجود آیات و روایات متعدد، همچنان ویژگی صلاحیت علمی و تخصص مدیران مورد غفلت قرار می‌گیرد و در این ارتباط چه خسارت‌های سنگینی که بر امت اسلامی وارد نمی‌گردد.

بنای عقلا در شایستگی علمی و تخصص کارگزاران

سومین دلیلی را که می‌توان بر شرطیت صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران جامعه آورد، سیره و بنای عقلاست. در این خصوص باید گفت در نزد خردمندان، این مطلب روشن است که افراد عاقل هنگامی که می‌خواهند کاری را به کسی واگذار کرده و مسئولیتی را به کسی بدهند، هم‌واره ویژگی‌های دارا بودن درایت و عقل لازم برای انجام کار، آگاهی به چگونگی کار و فنون انجام آن، توانایی بر انجام کار به نحو شایسته و امین بودن در انجام مسئولیت را در وی مد نظر قرار می‌دهند (همان، ص ۲۳). در توضیح بیشتر می‌توان گفت شایستگی علمی و تخصص کارگزاران جامعه که در قرآن و روایات مورد اشاره قرار گرفته است، در حقیقت تأییدکننده بنای عقلا است؛ زیرا عقلای عالم در انتخاب کارگزاران و حاکمان جامعه، افراد عالم و متخصص را بر افراد جاهل و غیر متخصص مقدم می‌دانند. بنابراین، اگر در قرآن و روایات، تخصص و توانایی علمی به عنوان یکی از شرایط انتخاب حاکمان در نظر گرفته شده است، تأییدکننده همین رفتار و سیره عقلا است.

به عنوان جمع‌بندی باید گفت که بر اساس قرآن، روایات و بنای عقلا، شایستگی علمی و تخصص، به عنوان یکی از شرایط اساسی انتصاب و انتخاب مسؤولان نظام است که باید اهتمام جدی به این مهم صورت گیرد.

توجه به صلاحیت علمی و تخصص در انتصاب و انتخاب مسؤولان نظام

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ۱، مسأله تشکیل حکومت اسلامی از جمله مباحث فقهی مهم بوده که بسیاری از محققان و صاحب‌نظران در باره تبیین حاکمیت و حکومت اسلامی و شرایط کارگزاران حکومت سخن گفته‌اند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در باره شرایط رهبری و سایر کارگزاران حکومت در قوای سه‌گانه سخن گفته شده است.

در اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی در باره ساختار حکومت اسلامی آمده است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه

قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند، این قوا مستقل از یکدیگرند».

از مهم‌ترین مباحث فکری و معرفتی در حکومت اسلامی، حاکمیت فقیه جامع الشرائط است و جدای از مباحث علمی و فقهی، قانون اساسی جمهوری اسلامی در باره شرایط رهبری در اصول متعدد از جمله در اصل پنجم قانون اساسی آمده است: «در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد».

اصل یکصد و هفتم می‌گوید:

پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیه‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره الشریف) که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری در باره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند؛ هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت، یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسؤولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و نهم در باره شرایط و صفات رهبری، صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری را برای شرایط رهبری لازم می‌داند و در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است.

در این اصل، شرایط رهبر را در سه بند به شرح زیر عنوان می‌کند:
صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه.

عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. همان‌گونه که در قانون اساسی بر شرایط و شرط علمی رهبری تأکید شده است، برای سایر کارگزاران حکومت نیز شرایط را تعیین می‌کند.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و با تمام مشکلات به‌وجودآمده به درخت تنومندی تبدیل گشته است. در این زمان، مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران (۴۰ ساله دوم) را مطرح نمودند که جهت پیشرفت کشور باید در این مسیر گام برداشت.

با تدبیر و تأمل در گام اول انقلاب در گذشته، یکی از آسیب‌هایی که بسیار عیان می‌نماید، قوانین و ساختارهای کشور به گونه‌ای است که موجب گردیده تا در مواقعی، افراد ناصالح و ناکارآمد در مناصب حکومتی مختلف منصوب گردند یا از طریق انتخابات به مسؤولیت‌های خارج از توان خود برسند. این مسأله موجب گردیده است تا این گروه از مسؤولین با تصمیم‌های نابخردانه و خارج از علم و تخصص، آسیب‌های جدی و مهلکی را به کشور وارد نمایند. یکی از عوامل مهم در انتخاب و انتصاب مسؤولین ناکارآمد را باید ریشه در خلاءها و ضعف‌های قانونی دانست که در ادامه سعی می‌گردد با گذری کوتاه به نحوه انتخاب و انتصاب مسؤولین در سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، این خلاء مورد بررسی قرار گیرد.

عدم توجه به صلاحیت علمی و تخصص کاندیداهای مجلس شورای اسلامی

پس از پیدایش مشروطیت و تأسیس دارالشوری و مجلس شورای ملی، مباحث مختلفی در باره شرایط نمایندگی و نمایندگان در عصر مشروطیت مطرح شد. از جمله کسانی که در باره مجلس و نمایندگی مجلس سخن گفت، میرزای نائینی در کتاب تنبیه الامه بود.

ایشان یکی از اصول لازمه و مهمه برای شرایط نمایندگی را علمیت کامله می‌داند و می‌گوید:

علمیت کامله در باب سیاسات و فی الحقیقه مجتهدبودن در فنّ سیاست، حقوق مشترکه بین الملل و اطلاع بر دقایق و خفایای حیل معموله بین الدول و خبرت کامله به خصوصیات وظایف لازمه و اطلاع بر مقتضیات عصر که - بعون الله تعالی و حسن تأییده - به انضمام این علمیت کامله سیاسیه به فقاہت هیأت مجتهدین منتخبین برای تنقیض آراء و تطبیقش بر شرعیات، قوه علمیه لازمه در سیاسات امور امت به قدر قوه بشریه کامل و نتیجه مقصوده مرتب گردد ان شاء الله تعالی (نائینی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۲۴).

پس علمیت کامل در سیاسات و اجتهاد در سیاست و اطلاع بر دقایق امور از شرایط نمایندگان مجلس در نزد میرزای نائینی بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی یکی از ارکان اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح گردید که صلاحیت علمی و تخصص نمایندگان در آن، نقشی اساسی ایفا می‌کند. مطابق با اصول قانون اساسی از جمله اصول ۵۸ و ۷۱، مهم‌ترین وظیفه مجلس را باید قانون‌گذاری دانست. بر این اساس، جهت بررسی تخصصی طرح‌ها و لوایح، کمیسیون‌های تخصصی در مجلس شورای اسلامی شکل گرفته‌اند. به صورت معمول نیز لوایح دولت و طرح‌های مجلس، ابتدا در کمیسیون‌های مربوطه و تخصصی مورد بررسی کارشناسی قرار می‌گیرند و در هنگام طرح در صحن علنی مجلس، نظر نهایی کمیسیون پرسیده و اعلام می‌شود.^{۱۸}

متأسفانه با وجود نیاز مبرمی که به علم و تخصص در نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود دارد، در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷ مجلس شورای اسلامی و اصلاحات بعدی،^{۱۹} شرطیت صلاحیت علمی و تخصص در نمایندگی مجلس شورای اسلامی آن‌گونه که باید باشد، مورد توجه قرار نگرفته است و تنها در بند ۵ ماده مذکور که در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ نیز اصلاح شده است، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن را کافی دانسته است؛ در

حالی که صرف داشتن مدرک مذکور، معیار مناسبی برای داشتن صلاحیت علمی و تخصص در نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیست.

هر چند با گذری بر ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، ملاحظه می‌گردد افراد متعهد و متخصص زیادی در قوه مقننه حضور داشته‌اند و موجب ثمرات فراوانی برای جامعه شده و قوانین مثبت و مؤثری را به تصویب رسانده‌اند و نباید تلاش‌های این عزیزان را فراموش نمود، لکن عدم توجه کافی به صلاحیت علمی و تخصص در قانون مذکور موجب گردیده است افرادی که صلاحیت‌های علمی و تخصص لازم را ندارند، به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی انتخاب گردند. در نتیجه به دلیل فقدان افراد عالم و متخصص کافی برای هر کمیسیون و نبود آیین‌نامه‌های لازم برای عضویت در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، افرادی به عضویت کمیسیون‌های تخصصی درآمده‌اند که تخصص‌های لازم و کافی را برای حضور در کمیسیون مربوطه ندارند. همین امر موجب ارائه و تصویب طرح‌هایی می‌گردد که نه تنها برای جامعه مثبت نیست، بلکه آثار منفی فراوانی نیز به بار می‌آورد.

متأسفانه در لایحه جامع انتخابات، در بند (ب) ماده ۵۷ آن، شرط داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی هنگام ثبت نام را حداقل، تحصیلات کارشناسی یا معادل آن دانسته شده است که امید است در بررسی لایحه مذکور در مجلس، این مهم مورد توجه قرار گیرد و قبل از تبدیل آن به قانون، این بند اصلاح گردد.

البته مدرک بالاتر از لیسانس به عنوان شرط داوطلبی در انتخابات مجلس شورای اسلامی مطرح نیست، بلکه نمایندگی مجلس شورای اسلامی نیاز به شایستگی علمی و تخصص بسیار بیش‌تری دارد که باید از طرق مختلف (از قبیل آزمون، مصاحبه، تعیین شرط داشتن تجارب کاری و مدیریتی) احراز شود. البته این امر نیاز به بررسی کارشناسی بیش‌تری دارد که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سایر مراکز پژوهشی می‌توانند کمک شایانی به رفع این نقیصه نمایند.

عدم توجه به صلاحیت علمی و تخصص مسؤولان قوه مجریه

خلاءهای قانونی در انتخاب و انتصاب مسؤولین قوه مجریه بسیار چشم‌گیرتر است. با ملاحظه اصل ۱۱۵ قانون اساسی، رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی، ایرانی الاصل، تابعیت ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور باشد. ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری، مصوب ۱۳۶۴ نیز به این شرایط اشاره نموده است، لکن ملاحظه می‌گردد، هر چند شرایط متعددی برای ریاست جمهوری قرار داده شده است، اما شایستگی علمی ریاست جمهوری مورد توجه قرار نگرفته است که سزاوار بود به این شرط هم توجه شود.

مطابق با اصل ۱۲۴ قانون اساسی، رئیس‌جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. در دولت‌های مختلف، تعداد معاونت‌ها، بر اساس تشخیص رئیس‌جمهور متفاوت بوده است که در حال حاضر، دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۳ معاونت می‌باشد.^{۲۰} هم‌چنین بر اساس اصل ۱۳۳ قانون اساسی، وزرا توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. دولت جمهوری اسلامی ایران اکنون شامل ۱۹ وزارت‌خانه است.^{۲۱} هر چند به صورت معمول در انتصاب معاونین رئیس‌جمهور و تعیین وزرا، به صلاحیت علمی و تخصص افراد توجه می‌شود، لکن به دلیل نبود آیین‌نامه جامع مدیریت در این خصوص، گاهی اتفاق می‌افتد افرادی که دانش و تجربه لازم را ندارند، بر این مناصب گماشته می‌شوند.

عدم تقنین شرایط لازم (دانش و تجربه)، در انتصاب مدیران میانی و پایین‌دستی وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها بیش‌تر به چشم می‌خورد؛ زیرا انتخاب این دسته از مدیران کم‌تر در مرعی و منظر عموم جامعه بوده در نتیجه مدیران بالادستی، مدیران زیردست خود را عموماً بر اساس سلیق حزبی و شخصی انتخاب می‌کنند؛ بدون این‌که صلاحیت علمی و تخصص افراد را مورد توجه قرار دهند.

متأسفانه در انتخاب مدیران در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مختلف قوه مجریه،

هیچ آیین‌نامه جامع مدیریتی وجود ندارد. همین آسیب موجب گردیده است مسئولین ناکارآمدی بر سر کار آمده، در نتیجه کارها به خوبی پیش نرفته و تصمیم‌های نابخردانه موجب آسیب‌های جدی به جامعه و کشور می‌گردد.

بر این اساس، مهم‌ترین کاری که در این خصوص باید انجام گیرد، تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های جامع مدیریت در سطح وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها است؛ به گونه‌ای که در آن‌ها، شرایط انتصاب مدیران خصوصاً صلاحیت علمی و تخصص کارگزاران، تعیین شده باشد تا از هر گونه سلیقه‌گرایی در انتصاب مدیران جلوگیری شود.

عدم توجه کافی به صلاحیت علمی قضات در قوه قضائیه

قضاوت اولاً و بالذات از آن خداوند تعالی، پیامبر و اوصیای اوست و ثبوت آن برای دیگران نیازمند دلیل است. بر این اساس، اصل این است که دیگران حق قضاوت ندارند، مگر با اجازه و اذن آنان که این حق برای آنان مسلم است. در عصر غیبت، آن که به طور مسلم و متیقن این مقام برای وی ثابت شده فقها هستند. گواه بر این ادعا مقبوله و مشهوره و سایر ادله وارده در این زمینه است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰-۱۷).

در دوران غیبت این وظیفه بر عهده مجتهد جامع الشرائط قرار داده شده است. یکی از شرایط نیز توانایی اجتهاد در احکام شرعی است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۱ و امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۷). در جواهرالکلام آمده است: «در این شرط (شرط اجتهاد برای قاضی) مخالفی نیافتم، بلکه در مسالک و سایر کتاب‌های فقهی ادعای اجماع بر آن شده است، بدون این که بین حالت اختیار و اضطرار فرقی بگذارند» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۰، ص ۱۵). علاوه بر اصل^{۲۲} در قضاوت و نیز اجماعی که در خلاف و غنیه و مسالک و سایر کتب فقهی بر ضرورت آن ادعا شده به مقبوله عمر بن حنظله^{۲۳} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۷)، دو خبر ابی خدیجه^{۲۴} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۳۹) و توقیع صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه)^{۲۵} (همان، ص ۱۴۰) نیز

استدلال شده است. هم‌چنین احتیاط نیز - که عقل و شرع در باب دماء و اموال و آبرو و حیثیت افراد بدان حکم می‌کند - اقتضا دارد که شرط اجتهاد رعایت گردد.

بر این اساس، در جمهوری اسلامی ایران در بند ۵ ماده واحده، مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۱، به دارابودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی به عنوان شرط قضاوت اشاره شده است، اما در زمان حاضر که به تعداد محکمه‌های قضایی، قاضی مجتهد واجد شرایط یافت نمی‌شود و از آن جا که حکومت اسلامی بدون قوه قضائیه امکان‌پذیر نیست، واجب است که فقیه متصدی حکومت اسلامی، برخی افراد ملتزم به موازین اسلام و محتاط در این زمینه را که بر قوانین قضاوت، ولو از طریق تقلید آگاهی دارند، برای انجام این مسؤولیت منصوب کند، یا در حد ضرورت به آنان اذن و وکالت دهد و افرادی که از صلاحیت بیش‌تری برخوردار هستند، تحت نظر فقیه واجد شرایط انجام این مسؤولیت را به عهده گیرند. این حکم را باید از باب تزامم دانست که به وسیله آن بسیاری از حوادث واقعه و مشکلات نوپدید جامعه، حل و فصل می‌گردد. به همین دلیل، در ادامه این بند از جانب شورای عالی قضایی به کسانی که فارغ التحصیل کارشناسی رشته حقوق، فقه و مبانی حقوق اسلامی یا سطح دو حوزوی و بالاتر هستند، اجازه قضاوت داده شده است. در حال حاضر نیز مطابق با آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات، مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۶ اقدام به جذب قضات می‌شود.

در این وضعیت، رئیس قوه قضائیه که شخصی مجتهد است، ابلاغ قضایی برای آنان صادر نموده و به همین جهت، قضات موصوف را «قاضی مأذون» می‌نامند.

در حقیقت قاضی مأذون بر اساس فتوای امام خمینی 1 است که می‌فرماید:

در بعضی از احوال که قضاوت زیاد است و افراد به آن زیادی نیستند که بتوانند همه مراکز قضاوت را قاضی واجد همه شرایط گذارند و قاضی واجد شرایط کم است، در این صورت فقیه مجتهد عادل، اشخاصی را که مورد اطمینان هستند که اجتهاد را هم نمی‌دانند، ولی از کتاب‌هایی که در این باب نوشته شده است، می‌توانند مسائل قضا را بفهمند و مورد اطمینان هم هستند

و ظاهراً عدله هم هستند، این‌ها را نصب می‌کند که قضاوت کنند... از طرف من هم مجازند که جعل قضاوت کنند تا قضاوت شرعی بشود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۲۱۳).

ملاحظه می‌گردد در انتصاب قضات در قوه قضائیه، بیش‌تر به صلاحیت علمی آن‌ها توجه شده است؛ زیرا افرادی که دارای مدرک کارشناسی حقوق، کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی یا سطح دو حوزوی و بالاتر هستند، ابتدا باید در آزمون قضاوت شرکت نمایند، در صورت پذیرش در آزمون، وارد مرحله مصاحبه می‌شوند و در صورت قبولی در مصاحبه، باید در دوره کارآموزی شرکت نمایند تا تجارب لازم را کسب نمایند. لکن با توجه به اهمیت و سختی قضاوت، نیاز است صلاحیت علمی در منصب قضا بسیار بیش‌تر از وضعیت موجود، مورد توجه قرار گیرد. قاضی در جایگاهی قرار گرفته است که با وجود قوانین مدون، در بسیاری از مواقع نیاز به اجتهاد و استنباط آرا از مواد قانونی دارد. بنابراین، باید دارای توانایی علمی بالایی باشد تا هم احکام صادره او با کم‌ترین خطا مواجه شود و هم در زمان کوتاهی بتواند اقدام به صدور رأی نماید. چه بسا بسیاری از پرونده‌های مطرح در دادگاه‌ها به دلیل عدم صلاحیت علمی قضات، دچار اطاله بررسی و نقص در احکام صادره می‌شوند.

در این خصوص، باید گفت فتوای امام خمینی¹ در استفاده از قضات مأذون، به این دلیل بوده است که به تعداد کافی مجتهد وجود نداشته است. بر این اساس، این اجبار ایجاد شده است که سطح انتظارات پایین بیاید و بر اساس حکمی حکومتی و ثانویه، از فارغ التحصیلان کارشناسی رشته‌های حقوق و حوزوی در سطوح غیر اجتهاد نیز در منصب قضاوت استفاده شود. لکن در این خصوص باید گفت هر چند امروزه نیز به اندازه کافی نمی‌توان قاضی مجتهد داشت، لکن به دلیل تعداد بالای فارغ التحصیلان دانشگاهی و حوزوی در سطوح عالی، می‌توان دقت نظر و سخت‌گیری بیش‌تری در پذیرش قضات داشت تا از افراد با توانایی بالاتری استفاده نمود. علاوه بر این، به واقع به نظر نمی‌رسد کارآموزی در یک دوره شش ماهه، فرد را آماده قرارگرفتن در جایگاه قضاوت قرار دهد. بر این اساس، نیاز است، ضمن افزایش دوره کارآموزی،

به افزایش سطح علمی کارآموز در قالب آموزش‌های تخصصی هم توجه نمود. هم‌چنین با توجه به پذیرش اجتهاد متجزی از سوی برخی از فقیهان امامیه (آخوند خراسانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۴؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۹۴ و سبحانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۶۱)، می‌توان از این نظریه بهره برد و افرادی را جهت پذیرش منصب قضاوت در حوزه‌های تخصصی تربیت نمود. این امر موجب می‌گردد تا افراد با توانایی علمی بالاتری در جایگاه قضاوت قرار گیرند، در نتیجه بسیاری از مشکلات دستگاه قضا در صدور آرای قضایی نیز رو به کاهش می‌نهد.

نتیجه‌گیری

مطابق با آیات قرآن کریم و کلام معصومین، بهترین و تواناترین افراد برای حکمرانی و مدیریت، کسانی هستند که دارای توانایی علمی و تجربه در امر حکومت‌داری باشند. بر این اساس و با تخصصی‌شدن امور و گسترش حوزه حکومت‌داری در عصر معاصر، جهت رشد و پیشرفت جامعه، نیاز است مدیران جمهوری اسلامی ایران، دارای توانایی علمی و تخصص کافی باشند.

متأسفانه با وجود اهمیت شرطیت دانش و تجربه در مدیران حکومت اسلامی، در کاندیداهای مجلس شورای اسلامی، این مهم به خوبی مورد توجه قرار نگرفته است. لذا نیاز است در تصویب لایحه جامع انتخابات در مجلس شورای اسلامی، این مهم مورد توجه قرار گیرد و قبل از تبدیل آن به قانون، شرطیت دانش و تخصص در نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با نگاه سخت‌گیرانه‌تری لحاظ شود.

نبود آیین‌نامه جامع مدیریت در وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و عدم توجه به توانایی علمی و تخصص در انتصاب مدیران، موجب افزایش انتصاب‌های سلیقه‌ای شده است. بر این اساس، نیاز است، با تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های جامع مدیریت در سطح وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها، شایستگی علمی و تخصص مدیران مورد توجه قرار گیرد.

هر چند بر اساس فتوای امام خمینی، هم‌چنان استفاده از قاضی مأذون، ضروری است، لکن با افزایش فارغ‌التحصیلان حوزوی و دانشگاهی در سطوح عالی، نیاز است

در توانایی علمی متقاضیان قضاوت، سخت‌گیری بیش‌تری صورت گیرد و از نظریه اجتهاد متجزی در این خصوص بهره برد. علاوه بر این، جهت کسب تجربه لازم باید دوره کارآموزی قضات، طولانی‌تر شود.

یادداشت‌ها

۱. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ».
۲. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ».
۳. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ».
۴. «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ».
۵. «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ».
۶. أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، ثنا أبو جعفر محمد بن محمد بن عبد الله البغدادي، ثنا يحيى بن عثمان بن صالح، ثنا أبي، ثنا ابن لهيعة، ثنا يزيد بن أبي حبيب، عن عكرمة، عن ابن عباس، رضي الله عنهما، عن رسول الله ﷺ: «من استعمل عاملا من المسلمين و هو يعلم أن فيهم أولى بذلك منه وأعلم بكتاب الله وسنة نبيه، فقد خان الله، ورسوله، وجميع المسلمين».
۷. عن أبي ذر، أن النبي ﷺ قال: «يا اباذر إني أحب لك ما أحب لنفسي إني أراك ضعيفا فلا تأمرن علي اثنين و لا تولين مال يتيم».
۸. «من تقدم على قوم المسلمين و هو يرى ان فيهم من هو افضل منه فقد خان الله و رسوله و المسلمين».
۹. «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ، أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ».
۱۰. «ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّالِكَ فَاسْتَعْمَلَهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تَوَلَّهُمْ مَحَابَبَةً وَأَثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شَعْبِ الْجُورِ وَالْخِيَانَةِ. وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبَيْوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَأَصْحَى أَعْرَاضًا، وَأَقْلَى فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا، وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا».
۱۱. «لَا تَقْبَلْنَ فِي اسْتِعْمَالِ عَمَّالِكَ وَ امْرَأَتِكَ شَفَاعَةَ إِلَّا شَفَاعَةَ الْكَافِيَةِ وَ الْإِمَانَةِ».
۱۲. «وَأَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ، وَمُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيْتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ، وَإِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ».
۱۳. عنه عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن رواه عن أبي عبد الله 7 قال: قال رسول الله ﷺ: «من عمل على غير علم كان ما يفسد أكثر مما يصلح».

۱۴. عده من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد، عن أبيه عن محمد بن سنان، عن طلحة بن زيد قال: سمعت أبا عبد الله 7 يقول: «العامل على غير بصيرة كالسائر على غير الطريق لا يزيده سرعة السير إلّا بعداً».

۱۵. علی بن ابراهیم، عن اَبیه، عن صفوان بن یحیی، عن عیص بن القاسم قال: سمعت اَبا عبد الله 7 يقول: «علیکم بتقوی الله وحده لا شریک له و انظروا لأنفسکم فو الله إنَّ الرَّجُلَ لیكون له الغنم فیها الرَّاعی فإذا وجد رجلاً هو أعلم بغنمه من الَّذی هو فیها یخرجه و یجیء بذلك الرَّجُلَ الَّذی هو أعلم بغنمه من الَّذی کان فیها».

۱۶. «العلماء حکام علی الناس».

۱۷. «العلم حاکم و المال محکوم علیه».

۱۸. در حال حاضر کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی متشکل از سیزده کمیسیون تخصصی: ۱. برنامه و بودجه؛ ۲. انرژی؛ ۳. امنیت ملی و سیاست خارجی؛ ۴. آموزش، تحقیقات و فناوری؛ ۵. اجتماعی؛ ۶. اقتصادی؛ ۷. بهداشت و درمان؛ ۸. صنایع و معادن؛ ۹. فرهنگی؛ ۱۰. قضایی و حقوقی؛ ۱۱. امور داخلی کشور و شوراها؛ ۱۲. کشاورزی، آب و منابع طبیعی و ۱۳. عمران است. علاوه بر کمیسیون‌های مذکور، مطابق با بند ۲۱۳ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، به منظور تنظیم اصول و مفاد برنامه‌های توسعه و لوایح بودجه کل کشور و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی، پس از تقدیم لایحه بودجه کشور توسط دولت به مجلس، کمیسیون تلفیق مرکب از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و دو نفر از هر یک از کمیسیون‌های دیگر تشکیل می‌گردد.

۱۹. ماده ۲۸. انتخاب‌شوندگان هنگام ثبت‌نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. (اصلاحی ۱۳۹۵/۳/۳) اعتقاد و التزام عملی به اسلام.
۲. (اصلاحی ۱۳۹۵/۳/۳) التزام عملی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.
۴. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.
۵. (اصلاحی ۱۳۸۵/۱۰/۱۳) داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن.
۶. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه.
۷. سلامت جسمی در حد برخوردار از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی.
۸. حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام.

- تبصره ۱. داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند «۱»، مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند.
- تبصره ۲. (به موجب قانون اصلاحی ۱۳۹۰/۱/۲۸ حذف شده است).
- تبصره ۳. (الحاقی ۱۳۸۶/۱/۲۶) هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می‌شود.
- تبصره ۴. (الحاقی ۱۳۹۵/۳/۳) ملاک محاسبه سن اشخاص برای ثبت‌نام در انتخابات، بر اساس تاریخ تولد اولیه ثبت‌شده در شناسنامه رسمی است و تغییرات بعدی توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، به استثنای محاکم قضایی، ملاک عمل نمی‌باشد.
۲۰. معاون اول رئیس‌جمهور، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، معاون اقتصادی رئیس‌جمهور، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور، معاون سیاسی و امنیتی رئیس‌جمهور، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، معاون امور مجلس رئیس‌جمهور، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران.
۲۱. وزارت آموزش و پرورش، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت اطلاعات، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت دادگستری، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، وزارت راه و شهرسازی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت ورزش و جوانان، وزارت نیرو، وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
۲۲. قضاوت جز در مواردی که طبق دلیل ثابت شود، صحیح و نافذ نیست و صحت و نفوذ آن در مورد قاضی مجتهد، با دلیل ثابت شده و غیر مجتهد مورد شک است و اصل، عدم اعتبار آن است.
۲۳. سألت ابا عبد الله 7 عن رجلین من اصحابنا بینهما منازعة فی دین او میراث، فتحاكما الی السلطان و الی القضاة، أ یحلّ ذلک؟ قال: «من تحاکم الیهم فی حقّ او باطل فانما تحاکم الی الطاغوت. و ما یحکم له فانما یأخذ سحتا و ان کان حقا ثابتا له، لانه اخذه بحکم الطاغوت و قد امر الله ان یکفر به، قال الله تعالی: «یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد أمروا ان یکفروا به». أقلت:

فكيف يصنعان؟ قال: [ينظران (الى) من كان منكم ممن قد روى حديثنا، و نظر في حلالنا و حرامنا، و عرف احكامنا، فليرضوا به حكما فاني قد جعلته عليكم حاكما. فاذا حكم بحكمننا فلم يقبله منه فانما استخفّ بحكم الله و علينا ردّ، و الراذ علينا الراذ على الله، و هو على حد الشرك بالله. اقلت: فان كان كل رجل اختار رجلا من اصحابنا فرضيا ان يكونا الناظرين في حقهما و اختلفا فيما حكما، و كلاهما اختلفا في حديثكم؟ قال: [الحكم ما حكم به اعدلها و اققهما و اصدقهما في الحديث و اورعهما، و لا يلتفت الى ما يحكم به الآخر...».

٢٤. رواية اول ابى خديجه: «ياكم ان يحاكم بعضكم بعضا الى اهل الجور، و لكن انظروا الى رجل منكم يعلم شيئا من قضايانا فاجعلوه بينكم فاني قد جعلته قاضيا فتحاكموا اليه». رواية دوم: «قل لهم: اياكم اذا وقعت بينكم خصومة او تدارى في شيء من الاخذ و العطاء ان تحاكموا الى احد من هؤلاء الفساق. اجعلوا بينكم رجلا ممن قد عرف حلالنا و حرامنا، فاني قد جعلته قاضيا. و اياكم ان يخاصم بعضكم بعضا الى السلطان الجائر».

٢٥. قد سألت فيه عن مسائل أشكلت علىّ فورد التوقيع بخطّ مولانا صاحب الزّمان 7 أمّا ما سألت عنه أرشدك الله و تبتك إلى أن قال: «و أمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجّتي عليكم و أنا حجّة الله».

منابع و مأخذ

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه.
٣. آخوند خراساني، محمد كاظم، كفاية الأصول، ج ١، قم: مؤسسه آل البيت : لإحياء التراث، بي تا.
٤. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ٢ و ٧، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ج ٣، ١٤١٤ق.
٥. امام خميني، سيد روح الله، تحرير الوسيلة، ج ٢، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بي تا.
٦. امام خميني، سيد روح الله، صحيفه نور، ج ١٢، ١٩ و ٢١، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني ؛ ١٣٨٩.
٧. امام خميني، سيد روح الله، ولايت فقيه، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني 1، ج ١٢، ١٤٢٣ق.

۸. امینی، الشیخ عبد الحسین، الغدیر، ج ۸، تهران: دار الکتب الاسلامی، ۱۳۷۲.
۹. باقلانی، محمد بن الطیب بن محمد بن جعفر بن القاسم، القاضی أبو بکر الباقلانی المالکی، تمهید الأوائل فی تلخیص الدلائل، ج ۱، لبنان: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۰۷ق.
۱۰. بروجردی، آقا حسین، منابع فقه شیعه، مترجمان: احمد اسماعیل تبار، احمد رضا حسینی، محمدحسین مهوری، ج ۲۲، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۴۲۹ق.
۱۱. بیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی الخُسروی جردی الخراسانی، السنن الكبرى، ج ۱۰، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۲، ۱۴۲۴ق.
۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی ۷)، قم: دار الکتب الإسلامی، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۱۳. جعفری تبریزی، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: آستان قدس رضوی ۷، ۱۳۸۶.
۱۴. حائری اصفهانی، محمدحسین، الفصول الغرویة، ج ۱، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۵ و ۲۷، قم: مؤسسه آل البيت .:، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، ج ۲، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. خلعتبری، حسام الدین و صدارت، فریبا، «ویژگی های شخصیتی مدیر از منظر قرآن و نهج البلاغه»، سراج منیر، سال پنجم، ش ۱۶، ۱۳۹۳.
۱۸. خوبی، سید ابو القاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۱، قم: نشر لطفی، ۱۴۱۸ق.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۰ و ۵، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۰. سبحانی، جعفر، الرسائل الأربع، ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق ۷، ۱۴۱۵ق.
۲۱. سعدی، ابو جیب، القاموس الفقهی لغة و اصطلاحا، دمشق: دار الفکر، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۳، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۲۳. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲، ۱۶ و ۱۱، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۵. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۲، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.

۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ق.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، قم: منشورات دار الرضی، بی تا.
۲۸. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الإسلامیة)، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۲، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، تهران: مرکز الکتب للترجمة و النشر، ۱۴۰۲ق.
۳۱. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ج ۱۴، تهران: نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ۱۰، ۱۱ و ۱۶، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۳۲، ۱۳۷۴.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین ۷، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۶.
۳۴. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: محمود صلواتی و ابو آل شکوری، ج ۲ و ۳، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ق.
۳۵. نائینی، میرزا محمدحسین، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۴۲۴ق.
۳۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۷. واسطی زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۹ و ۴، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.